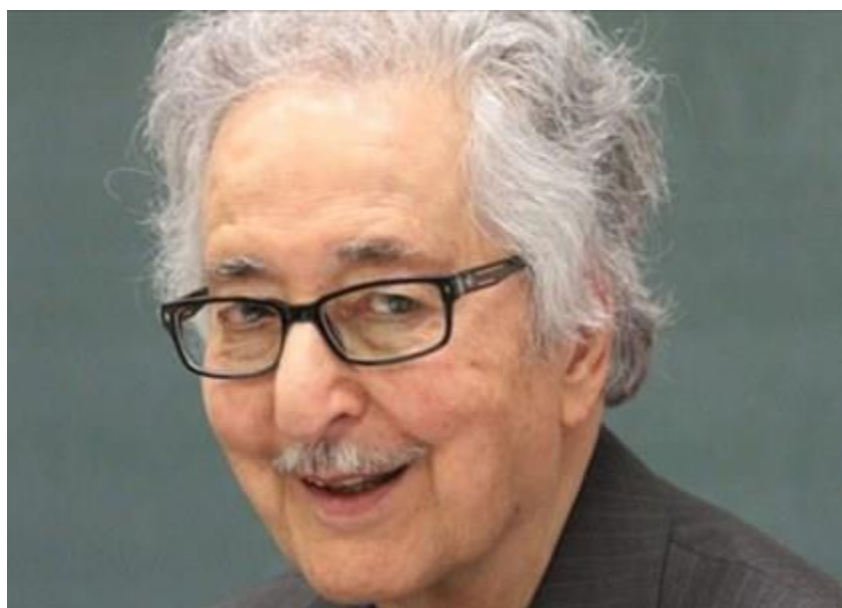


بنی صدر، نخستین رئیس جمهور و منتقد شاخص استبداد دینی



محسن کدیور

۱۷ مهر ۱۴۰۰

سید ابوالحسن بنی صدر (۱۴۰۰-۱۳۱۲) نخستین رئیس جمهور اسلامی ایران و یکی از شاخص ترین منتقدان جمهوری اسلامی و مخالفان استبداد دینی در پاریس درگذشت.

سه سال قبل که برای شرکت در یک کنفرانس علمی روانه ایتالیا بودم، توفیق ایراد سخنرانی در آلمان و فرانسه و دیدار حضوری با برخی هموطنان مقیم این دو کشور نصیب شد. در پاریس مهمان خانواده بنی صدر بودم: دکتر فیروزه بنی صدر و همسرش دکتر مهران مصطفوی. در نشستی مشترک تحت عنوان «[دین، قدرت سیاسی و حقوق انسان](#)» (۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۸) مرحوم دکتر ابوالحسن بنی صدر و من سخنرانی کردیم و به پرسشهای حاضران که غالبا از ارادتمندان وی بودند پاسخ دادیم. روز بعد در اقامتگاه بنی صدر در حومه پاریس چند ساعتی با وی گپ زدم، از تاریخ معاصر، تجربه جمهوری اسلامی، استادم مرحوم آقای منتظری، آینده ایران و نیز اصلاح دینی سخن گفته شد.



قبلا در ضمن برخی تحقیقاتم از طریق ایمیل پرسشهای متعددی را با وی در میان گذاشته بودم و او با صبر و حوصله پاسخ داده بود و گاه برای اطلاع بیشتر مرا به «روزنامه انقلاب اسلامی در هجرت» حواله داده بود. دسترسی به این روزنامه ها برایم میسر نبود. کلیه شماره های مقطع حساس ۱۳۶۷-۱۳۶۸ را از طریق پست برایم ارسال کرد. این روزنامه منبع مهمی برای تحقیق تاریخ معاصر ایران است. دقیقا به خاطر دارم متن کامل دو نامه تاریخی استاد منتظری به بنیانگذار جمهوری اسلامی در اعتراض به اعدام چند هزار زندانی در تابستان ۱۳۶۷ برای اولین بار در اواخر اسفند ۱۳۶۷ در این روزنامه منتشر شده است. این تحقیق در ضمن دفتر سوم [مجموعه استیضاح خبرگان و رهبران جمهوری اسلامی \(۱۳۷۰-۱۳۶۱\)](#) با عنوان «دوران کدورت و جدایی: مناسبات خمینی و منتظری (مهر ۱۳۶۵- فروردین ۱۳۶۸)» به امید خدا منتشر خواهد شد.

دیدار اردیبهشت ۱۳۹۸ تنها دیدار من با مرحوم بنی صدر بود. وی نسخه کاغذی بیش از ده جلد از آخرین کتابهایش را نیز به من هدیه داد. تماس ایمیلی من با وی تا همین اواخر ادامه داشت. در دیدار مذکور یادآور شدم و اکنون برای اطلاع عموم می نویسم: در انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری در بهمن ۱۳۵۸ من که در آن زمان دانشجوی مهندسی دانشگاه شیراز بودم به بنی صدر رای دادم. علاوه بر آن انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز - که من هم یکی از اعضای آن بودم - بزرگترین حامی وی نه تنها در استان فارس بلکه در جنوب کشور بود. با بالاگرفتن اختلافات بنی صدر و آقای خمینی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز در بهار ۱۳۶۰ جانب بنی صدر را نگرفت، و ما اشتباه کردیم.



نحوه خروج بنی صدر و همراهی وی با مسعود رجوی و شرکت وی در شورای مقاومت ملی بخش تاریک و کاملاً غیرقابل دفاع کارنامه سیاسی بنی صدر است. اما این میان پرده تاریک کمتر از دو سال بیشتر به طول نمی انجامد و با همراهی سازمان مجاهدین خلق با رژیم متجاوز صدام حسین، بنی صدر از شورای مقاومت ملی جدا می شود و از استقلال، تمامیت ارضی ایران و حاکمیت مردم ایران دفاع می کند. او همواره مخالف جدی حمله نظامی به ایران بود. بنی صدر در تمام عمر به پیروی از زنده یاد دکتر محمد مصدق از موازنه منفی در سیاست خارجی دفاع می کرد، و این نقطه قوت وی بود.

در مطالعه تحلیلی تاریخ معاصر ایران که مقدمه لازم تحلیل انتقادی اندیشه سیاسی، الهیات، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی معاصر شیعه است دریافتم که بسیاری از مواضع بنی صدر در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ درست بوده است. در حقیقت در آن ایام حزب جمهوری اسلامی از رویکردی تمامت خواه، ایدئولوژیک، ربانی سالاری (حاکمیت روحانیون بر کلیه مقدرات کشور با حق وتو) و دقیقاً «حکومت دینی» دفاع می کرده است و در مقابل بنی صدر و نهضت آزادی ایران و دیگر تشکلهای همسو از حقوق مردم، آزادیهای سیاسی و جمهوری اسلامی و در مجموع از قرائتی لیبرال از اسلام دفاع می کرده اند. آقای خمینی که می کوشید موضعی میانه بین دو جریان مذکور داشته باشد با برخی محاسبات اشتباه بنی صدر به راست لغزید و دست از حمایت از ابوالحسن بنی صدر – فرزند دوست صمیمی اش سید نصرالله بنی صدر – کشید. حقیقتاً خرداد ۱۳۶۰ نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی است و بسیاری از آزادی های مشروع و قانونی به بهانه جنگ شدیداً سرکوب شد.



بنی صدر عضو مجلس بازنگري قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مشهور به مجلس خبرگان قانون اساسی) در مرداد تا آبان ۱۳۵۸ بود. اغلب مواضع او در این مجلس در راستای دفاع از حاکمیت ملی، حقوق ملت و آزادی‌های مشروع بوده است. او یکی از پنج نفری بود که در این مجلس به اصل ولایت فقیه رأی منفی داد و این روشن بینی وی را می‌رساند.

یکی از مهمترین چالشهای این دوران که اتفاقاً آغاز روند برکناری بنی صدر با آن رقم می‌خورد افشای شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی در سخنرانی عاشورا (آبان ۱۳۵۹) بنی صدر است. مطابق تحقیق منتشرشده من حق با بنی صدر بوده است و شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا کنون رویه عادی بوده و هست. بنی صدر در جریان لایحه قصاص در سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۰ هم موضعی مترقی داشت، موضعی که به مراتب از موضع طراحان آن لایحه قابل دفاع تر است. تفصیل بحث را در ضمن بخش چهارم تحقیق ([لایحه قصاص و حکم ارتداد جبهه ملی](#)) با عنوان [لایحه قصاص پایمال نمودن حیثیت انسانی ملت؟](#) (۱۴ اسفند ۱۳۹۶) مطالعه کنید. مواضع وی در مخالفت با تصرف سفارت آمریکا از آغاز و محدودیت سپاه پاسداران نیز قابل ذکر است.

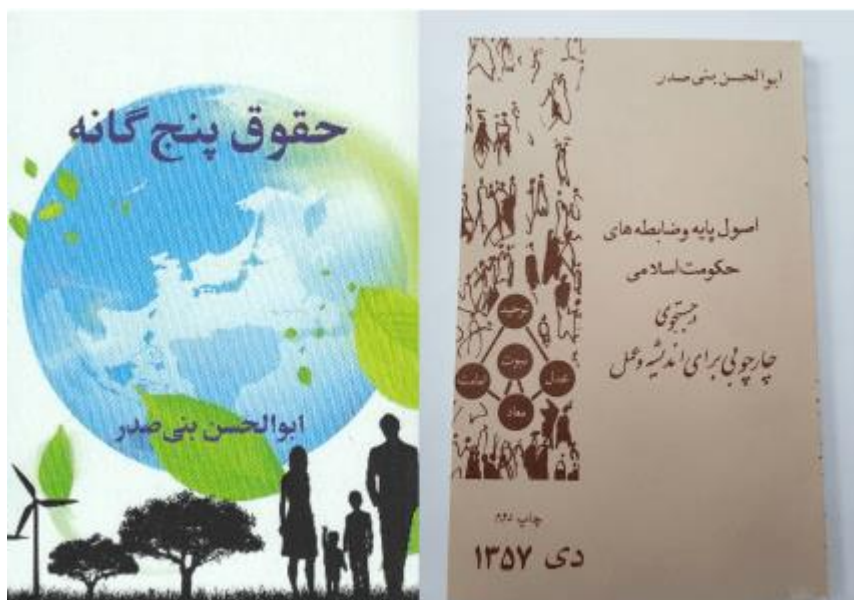
سه یاور اصلی آقای خمینی در خارج از کشور یعنی صادق قطب زاده، ابراهیم یزدی و ابوالحسن بنی صدر همگی به شکلی متفاوت از دنیا رفته اند. بررسی احوال آنها قبل و بعد از انقلاب جدا عبرت آموز است. انصاف مطلب این است که اعتمادی که آقای خمینی به نخستین رئیس جمهوری خود کرد - تفویض فرماندهی کل قوا به وی - به هیچیک از رؤسای جمهور بعدی صورت نگرفته است. بنی صدر درباره میزان اقتدار آقای خمینی محاسبه‌ای کاملاً اشتباه داشت. یکی از عواملی که در سقوط سیاسی بنی صدر دخالت داشت اعتماد به نفس افراطی وی بود. او واقعا می پنداشت که از همگان بهتر می فهمد و اسلام و ایران و جهان را دقیق تر می شناسد.



بنی صدر علاوه بر اینکه در سیاست و اقتصاد خود را صاحب نظر تراز اول می دانست، در حوزه معارف اسلامی و اصلاح فکر دینی نیز خود را در قله تفکر می دید. آثار متعدد او آکنده از نسخه هایی است که او برای مباحث مختلف اندیشه اسلامی پیچیده است. در تنها نشست علمی عمومی که با وی داشتم متواضعانه گفتم:

«فرزند نسلی هستیم که آمده بود با دین و مذهب کاملش دنیا را عوض کند و نظمی نو در اندازد. امروز متواضعانه به این نقطه رسیده ام که در عین احترام کامل به تعالیم اسلامی در [هشت حوزه ای که برشمردم](#)، در دیگر حوزه ها - که اکثر قریب به اتفاق حوزه های اجتماعی و سیاسی هستند - می گویم «ره چنان رو که رهروان

رفتند». اخذ کارشناسانه آخرین دستاوردهای علمی بشر به انتخاب عقل جمعی به شرطی که با استانداردهای شریعت که ارزشهای اخلاقی از قبیل کرامت، عدالت، انصاف، حریت و رشد هستند تعارضی نداشته باشد، طریقی متوازنانه و محتاطانه و متناسب با ظرفیتهای و منزلت و جایگاه علمی ما در جهان است. بر این باورم که اصلاح دینی امری مجزا و متمایز از اصلاح سیاسی است. اصلاح دینی ابزار اصلاح سیاسی نیست. این دو اصلاح دو روش متفاوت دارند، و رعایت مرزهای این دو نوع اصلاح بیش از همه به نفع دین و اصلاح دینی است.



با مقایسه «اصول پایه و ضابطه های حکومت اسلامی» (دی ۱۳۵۷) با «حقوق پنج گانه» (تیر ۱۳۹۸) (از اولین و آخرین آثار بنی صدر) نتیجه گرفتم: او بعد از چهل سال همچنان از اسلام (و خصوصا قرآن) انتظارات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی دارد، و به شیوه اختصاصی خود، به دور از اصطلاحات مقبول و چارچوبهای رایج علوم اجتماعی و انسانی نظریه پردازی می کند. وفاداری به تعبیر «انقلاب اسلامی» ترجمان همین عدم تغییر و تحول است. اگر ایستادگی در دفاع از استقلال، تمامیت ارضی ایران و موازنه عدمی در مواضع سیاسی قابل تقدیر است، در مقابل ایستایی و عدم تحول در مباحث نظری و فلسفی جای مناقشه جدی دارد.»

سید ابوالحسن بنی صدر در مجموع کارنامه ای قابل دفاع دارد . او از مدافعان استقلال، تمامیت ارضی، و حاکمیت مردم ایران بود، مسلمانی پاک نهاد بود که به شیوه خود از ارزشهای اسلامی در جهان مدرن دفاع کرد. خدایش رحمت کند و مشمول مغفرت و رضوان خود نماید. درگذشت سید ابوالحسن بنی صدر را به خانواده محترم بنی صدر خصوصا دختر و داماد وی، دوستداران ایشان و همه هموطنان آزادی خواه و منتقدان استبداد دینی و جمهوری اسلامی تسلیت عرض می کنم.



kadivar.com
<https://kadivar.com/19138>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.
نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.